

صاحب امتیاز: م. غبار
مدیر مسئول: ع. خروش
اداره: جاده اندرابی ۱۶ کابل
تلفون:

وطن

تاسیس ۱۳۳۰ ع

جریده، هفتگی

اشتراک: ۵۰ افغانی -
یکشماره: ۲۵ پول
هر پنجشنبه نشر میشود

شماره اول

سال اول

بنام خداوندانا و توانا

مردم ما که بعد از عبور چندین قرن سر از خواب دوشینه برداشته و در راه زندگانی جدید جهانی قدم گذاشته اند. میروند که ثقلت و طایف اجتماعی خود را احساس نمایند. واقعاً حفظ این ماحسیم در مشرق زمین که امروز میخواهیم از حیات قرون وسطی در ساحت زندگی جدید بشری داخل شویم، پس طبعاً راه درازی در پیش و همت بلندی در کار داریم. آری سالیان چهار صد پیش ازین قسمت بزرگی از بشر در سایه احترامات باروت، قطب نما، کاغذ، چاپ، و الکشافات جغرافیایی و تجد صنعتی و ادبی، با انهدام بنیان ملوک الطوائفی پا در قرون جدید و حیات جدید گذاشتند. در حالیکه ما تا سی سال پیشتر دو دست به بقیته اسیف زندگی کهنه قرون وسطی چسبیده بودیم.

پنجاه تقریباً دو صد سال میگذرد و مجامع بشری به نفع حیات بخش فلسفه و نویسندگان عالمی مقام چون لاک، مونتسکیو، لوتر، و روسو از قبرستان تسلیم و انقیاد نسبت بقدرت مطلقه حکومت و کودال عدم مساوات در اجتماع، و هندان آزادی در امور ذوقی، برآمده و وارد صحنه درخشنده قرون معاصر گردیدند، قریب در طلیعه آن «اعلامیه حقوق بشر» یعنی حق حاکمیت، ملت، تساوی حقوق مردم در برابر قانون، آزادی شخص در گفتار و کردار مثل خورشید رو جشی قرار داشت و اما ما تا ایام معدود و انگشت شماری پیش از این از تمام ایم نهایی بزرگ بشری محروم، و حتی از تلفظ آن ممنوع بودیم.

این است که میگویم در روی کره خاک آخرین ملتی هستیم که دیرتر و دورتر از همه در سیر تاریخ تحول و تکامل بشری اقیان و غلطان روانیم. ولی بحکم طبیعت انسانی این تاخرو پسماندگی ابداً سبب ناامیدی و دل شکستگی ما نمیکردد، بر عکس روح سعی و قوه کوشش در حد اعظم آن بامی بخش تا برای تلافی نافات، برای دفع آفات، بقرای حفظ حیات بقیه در صفحه چهار ستون اول

تحول اقتصادی

اصل حیات اجتماعی بشر جز حرکت و سیر فکر انسان، جز پرواز و صعود سوی کمال مطلوب چیزی دیگری نبوده تحول و تبدل از میزرات و خواص ثابت آنست. توقف مرک است در هر رشته و در هر امری از امور اجتماعی که باشد. از نظر فلسفه تاریخ این تحول و تکامل اجتماعی و اقتصادی بدو شکل ظاهرین نماید. یکی تحولات تدریج و تانی صورت گرفته احترامات، تغییر ذهنی و فکری در طی ادوار متدرجاً او وضع سیاسی و اقتصادی را تغییر میدهد. اما این تبدلات گذشته مرتبط بوده شکستگی در سیر تاریخ وارد نمیکند و دیگر آنکه در بعضی از از منو تاریخ در اثر حوادث فوق العاده احترامات و ابداعات مادی و معنوی بشمرکه سالیان دراز بلقوه در پیکر اجتماع جا گرفته از فرسید در نتیجه این حوادث رخ میدهد استفاده کرده و یک مرتبه چنان تحول و تبدل را در حیات و مظاهر آن وارد میکند که سیر دور تاریخ را منتقل و خط فاصل بین دو دوره و یا عهد تاریخی میکشد. تلقیات جدید و نهوض اجتماعی و سیاسی چون سیل خروشان اسلماست سیاسی و اجتماعی بشمرکه را در گون میسازد. گمان اغلب اندرین است که دنیای سرکشته ما امروز در آستانه چنین تحول کلی و اساسی قدم نهاده باشد. این تحول با وصف عمومیت خود در همه ممالک عالم یک درجه شدت نبوده در هر مملکت آنچه را برای همان جامعه تحول و تجد تصور میتوان کرد بار میآورد. اما البته هم این تحولات در هر کجا باشد شمه از رنگ و بوی همان مننوض عمومی جهان در آن سراغ میکردد. وطن ما که نیز خرنی از همین دنیاست بحکم طبیعت از تحولات آن برکنار مانده نمیتواند. امروز در سرتاسر گیتی از کابل تا مراکش و از شرق اقیانوس تا امریکا همه سکنه کره زمین بیدار و در جنبش اند، هر ملت قدمی بسوی نصب العین خود فراتر میکشاند. آن یکی برای استخلاص از اضلال و سلاسل اسارت اجنبی و آن دیگری برای رهائی از تیره روزهای محلی و ملی مجاهدت و سعی میورزد. در اس همه این حرکات و جنبش ها در خلال کلیه این ناآرامیها امید و آرزوی تقرب و توصل به سویه حیات و معیشت بلندتر و مرفه تر احساس میکردد. در وطن ما نیز یک نوع ایقظ و حرکت که در لافاف حکایات و شکایات از عسرت زندگی اقتصادی مستور است دیده میشود، همین علت

میخواهیم در آینده بوسیله این نامه نظریات و افکار خود را به امور اجتماعی و علی الخصوص اقتصادی معطوف نموده محاسن و فوائد، نواقص و نارسائیهای آنرا ملاحظه سازیم و ببینیم که در این گیرودار ما در چه درجه‌ای از مدارج اقتصادی قرار گرفته ایم، اقتصاد ملی ما چه و جایز کدام مقام است. اقتصاد بین المللی از ما و از دنیا چه میخواهیم، طریق بکار اقتصادی ما با ملل دور و نزدیک کدام است. در چنین زمان و مکانی و فیضیه نسل جوان و منور مملکت و مملکتین قوم چه چیز است؟ ما ایمان داریم این نظریات ما خواه اقتصادی، خواه تفریحی و یا مشورتی باشد در داخل توان ما مستند به حقایق ثابت و مبراهن از هرگونه اغراض فردی نخواهد بود، با این عقیده محکم سعی خواهیم نمود که راه مشی اقتصادی آن اقتصاد را که مطلوب است پیدا و ارائه نمایم ممکن است بعلت عدم انس با این نظریات بعضی ما را متمم بداشتن نظریات بلندبالای غیر عملی نمایند ولی باید بگوییم که ما طرفدار دیدن هر امری از زاویه استعداد، محیط و ایجاب زمان و عمل میباشیم. اما بر خویش تحریم میکنیم و پناه میجویم بخدا از اقتادون در کند طواهر فریفته ای که مکتبی به منافع شخصی یا طبقاتی بوده و با استفاده ارادی یا غیر ارادی از جهل و فقر ملت و مردم بیخ گردد. بر سبیل تمثیل، تمرکز سرمایه و سرعت تشکل آن را امر لادبی برای ترقی اقتصادی میدانیم اما وسیله آنرا مستقیماً یا غیر مستقیم محیک احترام و شنوات غیر قابل انطای ثروت و مکت و یا انحصارات شخصی نمی دانیم. بلکه تشویق و ترغیب به سعی و عمل و ایجاباً بوجود آمدن انحصارات ملی را مرج می پذیریم. این امر بدی و فرقی بین تحریص و تشویق و انحصار شخصی و ملی بر کسی پوشیده نیست. بهین طور علی الرغم که یکدیگر هر کده و ادعای طبقه جوان را توجیه به عدم تجربه و نهایت پسندی بنامند ما در نظریات اقتصادی خویش همیشه با اعتدال بوه و نخواهیم بود اما نه آن اعتدال که معنأ مرادف به ابتدال و زوال روح مجادله و خاموش کشتن آتش پیش رفت در قلوب مردم گردد. ما میدانیم که هدف و مرام هر تشبث و تصدی اقتصادی منفعت است اما نه منفعت ما، در نهایت ما طرفدار از بین رفتن منفعت که سابق اعمال اقتصادی است نمیباشیم. اما جدأ و قطعاً عدالت اجتماعی را در کلیه شئون اقتصادی اعم از اخذ منافع و یا نادیده مالیات خواستار و طالبیم. همچنین همتند دست دیگر که صلاح را در رد و وجود دیده از هر نوع تبدل و تغییر در سراسر اقاده برای ستر و انضای ترس و بیم چنین وانمود میکنند که محیط حاضر باستماع این سخنان و همضم این اصلاحات نیست.

از هر طرف:

میکویند

میکویند قانون انحصارات دولتی از شوراکه شد.

خدا کند نشر شود.

میکویند معاش مامورین زیاد می شود.

کاش از مدرک نرخ بوره نباشد.

میکویند ماشین های برق و بابت خرید می شود.

بشرط آنکه انتظار بلند رفتن نرخ نکند.

میکویند قانون مالیه بر عایدات تعدیل می شود.

بهنتر است تطبیق شود.

میکویند ریاست بلدیة انجمن و مجلس و کلاء را حذف نموده.

آیا و کلاء نمیتوانند مواد ۴۹، ۵۲ و ماده ۵۷

قانون را تطبیق کنند؟

اینها از سبب کی نوع افاده و آرایش کاذب که در اثر اتفاقات نصیب شان شده وطن و محیط ما را یکمکلم تنها متعده این اصلاحات بلکه مخالف آن می پذیرند مثلاً اگر بگوییم تا این و تقسیم و فراهم کردن کار برای مردم که سویه مایشان ماتحت سویه بشری است لازم و تأسیس تأیسات اجتماعی و لوه هر قدر کم و نپایز باشد تنها جایز بلکه فرض است ما را شاید آشوب طلب بخوانند. به هر صورت ما بیان قیبل حضرات میگویم که بحکم تاریخ عالم و سنن سیر مهال بشر ترقی و آسودگی اقتصادی انحصار هیچ ملت و یا هیچ اقلیمی نبوده آغاز و طلب آن از هر مرتبه و هر موقوف اقتصادی و اجتماعی هر قدر کم و نازل باشد اما باز هم ممکن و مطلوب است و علی الرغم مدعیات و منفی بافیا این مرز و بوم زود باشد که شاهد رفاه و ترقی اقتصادی را در آغوش کشد، ما مجبور نیستیم هر قدم و هر نظریه را سراز نو تجربه کنیم، تجارب بی پایان بشر خوشبختانه موجود و فقط بحسن نیت و عمل و عبرت احتیاج دارد همچنین هیچ مانع یا رادعی در برابر استفاده ما از تجارب همسایه گان که در این راه قدمی از ما جلوتر رفته اند وجود ندارد. در هر حال قبول باید کرد که همچگونه ترقیات اجتماعی مجزا از ترقی اقتصادی و بلند رفتن سویه حیات ملی هم متمسک و هم پیوسته است و بر عکس فقر اقتصادی علت تباهی اخلاق جامعه است.

با کرسی قوت پرینر نماند افلاس عنان از کف تقوی بماند.

نفت ایران مال ملت -- مسئله کانال -- قیام مراکش -- پیشرفت تعرض محتاط -- رکود مذاکرات

طهران: پس از واقعه قتل رزم آرا لایحه ملی شدن نفت، سرعت از مجلسین پارلمان ایران گذشت و اینک در انتظار صحنه شایسته است. اما حسین علاء که مامور تشکیل کاپسند گردیده بود بدین مقصد موفق نشد. دولت انگلستان از جدیت مجلسین ایران در مسئله نفت شوش گردیده یادداشت تهدید آمیزی بدولت ایران فرستاد. این یادداشت در لباس دیپلماتی حق حاکمیت ایران را در امور داخلی مملکت و اتخاذ تجاویز اقتصادی و اجتماعی تردید میکند. تجاویزیکه حکومت فعلی انگلستان علی الرغم مخالفت در داخل مملکت خود در امور زغال و دیگر اشیا تطبیق کرده. میگوید حزب کارگر انگلستان و قسماً از مانش عبور میکند از هر محافظه کاری محافظه کارتر است. اتلی و موریسن سعی دارند ازین فرصت مساعد برای اثبات این مقوله بحد اعظم استفاده کنند.

بتاریخ ۲۸ حوت داکتر زنگنه متخصص اقتصاد و وزیر معارف کاپسند رزم آرا از طرف یک نفر متعلم بضرر گلوله مجروح شد. مفهوم سیاسی قضیه هنوز معلوم نیست.

قاهره: مسئله ملی شدن نفت ایران مغانی در اذهان ملل شرق نزدیک وارد نموده. روزنامه های ایوم و المصری قاهره متناظراً کردند که حکومت مصر فوراً کانال مصر را ملی بسازد و دست اجنبی را از شهرک مملکت کوتاه کند. نحاس پاشا اعلان کرد کاپسند او مصمم است آخرین علایم استعمار را از مملکت براندازد حزب ملی عراق تصمیم گرفت در مجلس از حکومت در باب ملی شدن نفت عراق استیضاح کند.

پاریس: جنرال ژون گفت در مراکش خبری نیست. واقعاً از چهار دیوار ضمیمه سانور که بدور مملکت مذکور کشیده شده اخبار صحیح بخارج عبور کرده نمیتواند. اما در مراکز عربی که بدقت نگران اوضاع هستند گفته میشود که مردم مراکش بشدت برای استقلال خود مبارزه میکنند و تاکنون در حدود (۳۷۰۰۰) نفر از پیروان حزب استقلال توقیف شده اند.

بمچنان در هند چین مجاهدات آزادی خوانان علیه فرانسه بشدت ادامه دارد پقدر افسوس است که قوای مادی و معنوی مملکت فرانسه که در قرون گذشته همیشه برای آزادی و تمدن بشر مصرف میشد امروز برعکس در تمام نقاط برای

محو اسامات مذکور بکار افتاده است.!!!

کابل: منشی اعظم فلسطین که یک تن از احرار بزرگ عالم شرق است بدعوت حکومت افغانستان به کابل آمده و از طرف ملت آزادی پرست افغان با حرارت صمیمیت پذیرائی شده و در ایام اقامت همان حکومت افغانستان هستند بمچنان مک تی نائب معاون وزارت خارجه امریکای مسافرت مختصری بکابل نمود.

سنول: قوای ملل متحد دوباره داخل پلیمت کوریای جنوبی گردید و تعرض محتاط به تدریج به مدار ۳۸ نزدیک میشود. رادیوی تیانگ خبر داد که استالین در مکتوبی وعده امداد ملت روس را به ملت کوریا نکرار نموده. جنگ کوریا پس از طی یک دوره مکمل فتح و شکست میروود که باز به نقطه آغاز حرکت وصل شود هرگاه ملل متحد دین فرصت را برای حل این معضله از طریق مناسبه و مصالحه پیدا نکند و با تجاوز از خط ۳۸ اشتباه سابقه را تکرار نماید پیشهادات جهمی بی طرف کوش ندهد شاید این قضیه کوچک هم بقیامت امنیت بین المللی تمام شود.

کابل: خبر پیمان یافتن انحصار قند و پترول ذریعه اعلان شرکت قدسازی بگوش رسید. معلوم میشود در اول حل این انحصار سانخورده جای خود را به انحصار دولتی می سپارد. هرگاه دوایر موظف دین موقع به لایحه انحصار شرکت عطف نظر کرده تحقیق نمایند که شرکت تا کجا تعهدات خود را ایفا نموده و میلانس عملیات دوازده ساله آن از نظر اقتصاد ملی چه بوده است و نتیجه تحقیقات را نشر کند شاید خالی از فایده نباشد.

دهلی جدید: یک عده از نویسندگان مبرز انگلیس به پندت نرو نظر بخدمات شایسته ای که در راه صلح و سلام کیتی انجام داده پیام تبریک فرستادند.

م. فرهنگ

آیا مطلع هستید؟

که در سال ۱۳۲۵ در ۱۵۳ محاکم قضائی افغانستان ۲۴۵۵ دعوی حقوقی و ۱۸۷۲ دعوی جزائی دایر گردیده است.

که تا سال ۱۳۲۵ در افغانستان ۲۳۳ مکتب ابتدائی، ثانوی، متوسط، مسکلی و فاکولته موجود و در همه ۲۹۵۱ معلم و ۶۱۳۴۴ متعلم مصروف تعلیم و تعلم بود.

آدم چرا مداح و مرثیه خوان می شود

در جاییکه قانون نباشد، و یا باشد تطبیق و مراقبت نشود، طبقاً مصونیت مال و جان مردم مفهومی ندارد و ضحایا مال اقیوا میگردد، محکم و محاکمه علنی و تطبیق مجازات قانونی بعمل نمی آید، پس بچنین فشار استبداد سیاسی در روح مردم عموماً و در روح نویسنده ما، مستفکرین خصوصاً تأثیر سنگین کشتن از خوف و اضطراب مینماید، و عقیده این فشار با عسرت اقتصادی توأم گردید دیگر کار تمام است، زیرا عسرت اقتصادی احترامات را در نفوس مردم برمی انگیزد و در اثر ترس و حرص آدم دست بدانان سیاه تعلق و حید بازی میزند در چنین حالتی است که یکده انسانها روح شجاعت اخلاقی خودش را از دست داده از مصالح و مفاد اجتماعی دل بر میدارد پس بسابق قرن ترس و حرص برای حفظ جان و سد جوع ملک تزویر و کلاه لیبی بر چهره کشیده به انشاء و تصاید مشور و مضموم میپردازد، این است که مدوح اگر تادی است ستون آسمان و اگر سیاسی است آفتاب در شان و اگر کم سواد است، افلاطون زمان جلوه میکند، و فی المثل اگر مداح و متعلق منسوب به مملکتی است که از نظر توانایی مالی و لوازم مدنی و تریوی پسانده ترین ممالک عالم باشد، چنان وانمود میکند که کشور او در روی زمین از راضی ترین، آسوده ترین و خوشبخت ترین کشورهای جهان است. این چاره با بعد از کمی چنان به مداح و جاملد نمیگردد که دیگر هیچ نمیدانند در برابر زهریکه مثلاً در طول خمس قرن در چشم و کوش جامع پاشیده و مردوزن را بخواب و خار قناعت از موجود فرو برده اند مسئولیت غیبی بگردن گرفته اند.

آری عده دیگری نیز هستند که چنین نمی نمایند، ولی از خدمات جدی اجتماع هم سرباز میزنند، اینها برای آنکه عیب خود را پوشانند، با ده مغالطه و صد سلف و هزار سوگند مردم حالی میکنند هنوز وقت خدمت بجامه نرسیده، ملت جاہل، کوشش پیوده و در هر قدم خطر موجود است. پس با حذف به اینها، فقط آن عده منوری باقی میمانند که سگینی و وظیفه اجتماعی بدوش دارند و دلیرانه پا در میدان خدمت میگذارند. و شک نیست که بحکم تقدیر و تاریخ در محال ملت حصه بزرگی میگیرند، خوشبختانه در جامعه ما این عده آخری هر روز بشکل روز افزونی خالیگاه های اجتماعی را پر میکنند و امید وطن را بسوی خود میگردانند. م. غبار

نه فرد و یا افراد معین، زیرا ما با هیچ فردی مخالفت و یا محبت شخصی نداریم، مگر در امور اجتماعی.

دیگر امتدادات وطن در هر موضعی که باشد محض تظاهر و بی تیرنی، بلکه با نشان دادن راه های اصلاحی

و علی توأم خواهد بود. م. غبار

بلاخره برای جلب سعادت ازان استمداد و استمداده نمایم.

در میان مردم که من حیث المجموع باین جد و جهد عرق آور مؤظف و مکنشد، بعقیده ما و وظیفه منورین کشور گران تر، عمده تر و مفید تر است، و لهذا حکم این عقیده است که ما با قلت بنساعت و استطاعت خواهیم توسط طبع و نشر روزنامه و وطن ساحت فعالیت های نظری، که مقدمه هر نوع خدمات علمی اجتماعیست، برای طبقه منور و جوان مملکت آماده نمایم و ما مصمم هستیم درین راه مبارک توانایی محضر خویش را وقف کنیم. البته مرام و نصب العین ما در روزنامه وطن بشکل ثابت و پایداری عبارت خواهد بود از:

نشر اصول دیموکراسی در کلیه شئون اجتماعی مملکت به اساس رژیم مشروطه شاهی و بمعنی مساوات عموم مردم بدون قید و رجحان نژاد، زبان، مذهب، ولایت، قبیله و غیره، و بمعنی آزادی قانونی مردم در گفتار و کردار، کسب و کار، اجتماع و اقامت و مسافرت، و به معنی تفکیک قوای ثلاثه دولت و تعیین حدود مسئولیت هر یک، و مصونیت مال و جان و حقوق مردم از تعدی و تجاوز و تعیین مجازات با حکام محکم صامه. هکذا تقویه وحدت ملی باستناد تاریخ مشرک، وطن مشرک، مفاد مشرک که از آغاز تاریخ تا امروز مردم افغانستان را در رشته واحد ملت منک ساخته است. و از آن طریق حفظ منافع عامه اعم از مامور و متحد، زارع و کارگر، معلول و معیوب بواسطه وضع قوانین و ایجاد موسسات تعاونی و بحث در اطراف مسائل مهمه معارف، اقتصاد و حفظ الصحه عمومی و هم چنین مبارزه بر ضد اقوال و اعمالی که بنوعی از انواع تامت و امنیت و استقلال خاک را جرح، و وحدت ملی، و مبنای دیموکراسی را نقض و اخلاق اجتماعی را افشاد کند.

این است مرام و نصب العین کارکنان «وطن» که تعقیب خواهد شد. این نکته قابل ذکر است که افق نظر وطن و سیرت از آن است که در نشرات خویش، مادامیکه حیات و سعادت جامعه منظور اوست، باشخاص و افراد معینی خوب یا بد به پردازد، زیرا وطن فرد را هر که باشد من حیث هو هو نمی شناسد، بلکه اعمال و اخلاقی را مورد تبصره و امتداد قرار خواهد داد که در سرنوشت کشور کم و یا بیش مؤثر باشد. پس نشرات و امتدادات وطن مبتنی بر دورکن است: یکی موضوع او امری از امور اجتماعی خواهد بود.